

خبرها

موتمن: به همه چیز با تردید می نگرم



افزود: سینمای ما در وضعی قرار دارد که از طرفی بوده‌های کلان را به برخی فیلم‌ها و فیلمسازها اختصاص می‌دهند تا با آن، فیلم «فاخر» بسازند و از سوی دیگر تهیه‌کنندگان بخش خصوصی هم تنها راه را ساختن فیلم‌هایی می‌دانند که در اکران بالای ۵۰۰ میلیون تومان بفروشند و این نگره، راه را برای فرضیه‌ای که می‌گوید «برای ادامه حیات در سینما فقط باید فیلم مبتذل بسازی» باز می‌کند.
«موتمن» افزود: با این اوصاف باید بگویم جایی برای ساختن فیلم خوب یا خوب فیلم ساختن نمانده است. وی در پایان گفت: «امیدوارم که «جعبه موسیقی» زودتر راه بیفتد. به نظر فیلم اگر هرچه زودتر کلید بخورد، می‌تواند راحت‌تر در جشنواره فیلم فجر نمایش داده شود.»

□

جلیلی: اینجا حرف اول را التماس می‌زند

برای ادامه تولید حافظ خیلی اذیت شدم و حتی نگاتیو را که ابزار اولیه جلیلی ضمن بیان این مطلب گفت: ابتدا مشکل دوربین وجود

داشت، بعد دوربین آمد، دیدیم نگاتیو ندارند. این

سینماگر متذکر شد: این همه فیلم خوب و بد و ضعیف به صورت «درهم» ساخته می‌شود اما ازشاد به من هیچ گونه کمکی نمی‌کند... این همه وام‌های بلاعوض می‌دهند، این همه اسپانسر می‌گیرند اما دریغ از کوچک‌ترین کمک به فیلم و به کارهایی از این دست. جلیلی گفت: این روزها هر کسی فیلم می‌سازد، یک چیزی گیرش می‌آید، ما که هیچ چیز نمی‌خواهیم، اما حتی به فیلم ما اجازه پخش هم نمی‌دهند. اسپانسر نمی‌توانیم بگیریم، نگاتیو دولتی نمی‌دهند، نگاتیو آزاد را هم که می‌دهند، باید برای دریافت آن التماس کنیم. وی افزود: گویی قانونی وجود ندارد. اینجا حرف اول را التماس می‌زند، این قدر باید التماس کنیم تا کاری انجام شود. وی در مورد چگونگی تولید ادامه فیلم «حافظ» با توجه به این شرایط گفت: علت این که ما لوکیشن ساوه را انتخاب کردیم، این بود که شرکتی در شهر صنعتی کاوه (ساوه) هزینه هتل و خورد و خوراک ما را پرداخت کرد... جالب آن که مدیران کارخانه حتی اهل مذاکره با مدیر شهنی هم نیستند و بیشتر عارف مسلک هستند تا مدیر شهر صنعتی. جلیلی همچنین به علت اضافه شدن بخش‌های تازه به فیلم حافظ اشاره کرد و گفت: بخشی از این قضیه به مشکلی مربوط بود که در لایوتار شکل پیدا کرد و از طرفی، تصمیم گرفتم یکی دو صحنه را که از ابتدا در فیلم نگرفته بودم، جلوی دوربین ببریم و از ابتدا هم قرار بود آخر کار بگیریم و بدین صورت دو سه صحنه هم به حافظ اضافه کردیم. جلیلی گفت: با اضافه شدن صحنه‌های تازه، لحظه‌هایی از فیلم، قصه‌اش دچار تغییر می‌شود.

□

مشایخی: می‌گویند مخالف جوان‌ها هستم

ایستا: حمشید مشایخی معتقد است: هرچه می‌گویم فقط برای خودم دشمن‌تراشی می‌کنم. این بازیگر پیشکسوت گفت: می‌گویند مشایخی مخالف جوان‌ها است در حالی که بارها گفته‌ام

بازیگران جوان، فرهیخته و توانایی داریم و بر این موضوع تاکید کردم اما قسمت‌هایی که درباره مثلاً ورود دماغ عمل کرده‌ها به سینما می‌گویم درشت‌تر می‌شود. در واقع وقتی به حقیقت اشاره می‌کنم دلخور می‌شوند.

وی درباره کارهای جدیدش گفت: قرار بود در فیلم جدید کیومرث پوراحمد حضور داشته باشم که منتفی شد و الان مشغول بازی در مجموعه «آخرین نگاه» به کارگردانی سعید سهیلی زاده برای ام مبارک رمضان هستم.

□

پورصمیمی: پیش‌بیاید کارگردانی‌هم می‌کنم

آنا: بازی در قاعده بازی (احمدرضا معتمدی)، تازه‌ترین فعالیت سینمایی من است.
سعيد پورصمیمی ضمن بیان این‌ خبر افزود: در «قاعده بازی» که مضمون و قصه خاصی دارد، اکبر عبدی، علیرضا خسه،

جشید هاشم‌پور و گوهر خیراندیش نیز بازی می‌کنند.

این بازیگر باتجربه در پاسخ به این پرسش گفت: اگر موقعیت پیش‌بیاید، ممکن است کاری را کارگردانی کنم اما تاکنون درصدد انجام این کار نبوده‌ام. از آخرین کارهای پخش شده «سعید پورصمیمی» از تلویزیون سریال شبی از شب‌ها (رضا کریمی) را می‌توان نام برد. همچنین آخرین کار تئاتر وی، بازرس (علیرضا کوشک جلالی) بود.

روزنامه

سینما

گفت‌وگو با هانیه توسلی درباره شش سال حضورش در سینما

دلم می‌خواهد نقش منفی بازی کنم

خسرو خسروپرویز



نمی‌شود گفت منفی. منظورم مشخصاً یک شخصیت بدجنس است.

■ **فکر می‌کنید می‌توانید بازی کنید؟**

یکی از آرزوهایم است. ولی در شرایطی که نقش خیلی بزدل و به شکل خودشان بیان شود و من سعی کردم که فکر کنم دوربینی وجود ندارد. چیزهایی که در مورد تکنیک صحبت کردم را اصلاً رعایت نکردم. اگر دقت کرده باشید من بارها زبان می‌زنم یا مثلاً اینجوری می‌کنم. (با دندان لبش را گاز می‌گیرد). حالا نمی‌دانم اینجوری را چطور در مصاحبه می‌آورید!

■ **همین جوری.**

کنترل زیادی بر روی صورتم نداشتم گو اینکه در نمای بسته سرم از کادر بیرون برود.

■ **بقیه نابازیگر بودند و قرار بود همانی که هستند باشند، برای شما که بازیگر بودید این کار خوشایند است یا ناخوشایند؟**

اصلاً ناخوشایند نیست. اینکه ببینیم یک نابازیگر چگونه است. کسی که قرار است خود طبیعی‌اش باشد بیشتر یک تجربه خاص و جالب است که با سایر کارها متفاوت است.

■

سلیقه‌ای هم در انتخاب و انجام کارها دارید؟

اگر بخوام در مورد سلیقه بازیگری هم صحبت کنم فکر می‌کنم بقیه هم چنین نظری داشته باشند. این است که بازی‌های غلط شده را دوست ندارم. اینکه احساس کنی

که دارد بازی می‌شود را دوست ندارم هر چند که کارهایی که تا به حال کارکردم متفاوت بود و لحن‌ام در جاهای مختلف تغییر داشت و با خودم متفاوت بود. به لحاظ سلیقه‌ای بازی‌های سرد را دوست دارم. همان‌شبهه‌ای که در «شب‌های روشن» حس کردم یک چهره بدون احساس را بازی کنم و در واقع آن حس با نگاه منتقل شود.

■ **در این مدت فیلم‌های متفاوتی کار کردید. این سلیقه کجا است؟ «زمان می‌ایستد» را با «کافه‌ستاره» مقایسه کنید. اینکه در ابتدا گفتم قدرت انتخاب نداریم...**

■

اتفاقاً این جریان یک انتخاب از جانب شماست.
بله، انتخاب است ولی میزان انتخاب‌هایی که ما داریم چقدر است؟ در «زمان می‌ایستد» چیزی که برایم جالب بود این بود که در یک موقعیت ایده‌ها قرار بگیرم.

■ **یعنی فیلمنامه‌ای در کار نبود؟**

فقط یک طرح بود و تمام دیالوگ‌ها در فیلم بداهه است...

■ **پس در آن ویژگی‌ای که قبل‌تر اشاره کردید که باعث می‌شود کاری را قبول کنید، یعنی فیلمنامه وجود نداشت. اینجا خودتان را به کارگردان سپردید؟**

خودم را به کارگردان و طرح سپردم. موقعیتی که وجود داشت جالب بود. دختر عاشقی که از مرز عبور می‌کند و یک بچه در شکمش است که با آن صحبت می‌کند.

بستری بود که من با موجودی طرف بودم که در زندگی عادی وجود نداشت. دختری که یک مقدار دیوانه بود. این در طرح بود و یک مقدار شخصیت‌پردازی می‌کرد. این برایم جالب بود در موقعیتی قرار بگیرم که هر کاری دلم می‌خواهد بکنم و خودم شروع کنم به پروراندن شخصیت که کار سختی بود. فیلم را یک بار در تدوین از اول تا آخر با یک ترمیم کاملاً خطی دیدم. خیلی خسته نشدم و یک مقدار ترسیم‌دم که دیوانگی دختر درنیاید که درآمده بود. چند مدت بعد فیلم را دیدم که علیرضا امینی آن‌را به هم ریخته بود و سکانس‌ها جابه‌جا شده بود. شاید ایشان ناراحت‌شود ولی اصلاً آن را دوست نداشت‌م و خیلی خسته شدم و به شخصیت‌پردازی‌ای که از شروع تا پایان فکر کرده بودم لطمه زیادی خورده بود و فیلم را در جشنواره ندیدم.

■ **این انتخاب‌های متفاوت را خودتان چطور ارزیابی می‌کنید؟ به نظر نوعی سرگردانی در انتخاب‌هایتان دیده می‌شود.**

من این را سرگردانی نمی‌دانم. می‌گویم به دنبال پیدا کردن مسیری که همیشه دلم می‌خواسته اتفاق بیفتد و حالا...
■ **می‌خواستید چه اتفاقی بیفتد؟**
نمی‌خواهم بگویم دوست دارم که نقش یک آدم دیوانه را بازی کنم. معمولاً در کارهایی که انجام دادم نقش‌های مثبت و مظلوم داشتم. حالا شاید بخشی از آن به خاطر چهره است و بعضی می‌گویند تو نمی‌توانی نقش منفی را بازی کنی و بدجنس باشی.

■ **البته در «شام آخر» اینگونه نبود.**

در آنجا بیشتر مظلومیت و معصومیت دختری بود که عاشق پسر بود و یک پیشینه روان‌پریشی هم داشت.

سینما

مشکلاتی که پیش می‌آید به خانه دوستش می‌رود. شاید با خصوصیتی که از سالومه گفتید عشقش هم یک چیز معمولی است.

نه عشق معمولی که نمی‌شود گفت. سالومه مثل همه ما که شاید عاشق باشیم یا عاشق بوده‌ایم، وقتی یک آدمی را دوست دارد تمام رویاهایش را با آن آدم می‌بیند. سالومه یک دختر جوان است که به واقع با مشکلات زندگی مواجه نشده و فکر می‌کند ابی کسی است که می‌تواند به او کمک کند که چشم‌های پدرش خوب‌شود و با ازدواج با ابی شاید زندگی‌اش بهبود پیدا کند ولی هیچ وقت فکر نمی‌کند با شخصیت شاهین (ایرج نوزری) که شاید خیلی پولدارتر از ابی باشد ازدواج کند.

■ **البته به نظر می‌رسد بر سر دوراهی می‌ماند. نه من این را حس نکردم. جایی که شاهین به خواستگاری او می‌آید به این معنا نیست که سالومه بر سر دوراهی مانده یا به او فکر می‌کند.**

■ **نقاشی کردن‌های سالومه قرار بود چه بعدی به شخصیت‌بدهد؟ چیزی که مشخص است**

سالومه یک شخصیت رویایی است. در نقاشی‌هایی که می‌کشد به جز یک نمونه بقیه آنها سیاه و سفید است. یعنی واقعیت را سیاه می‌بیند. تنها چیزی که رنگی است همان رویاهایش است؛ محله‌ای در وسط دریا در دی. ابی را در زندان سیاه و سفید می‌کشد. جایی هم که به خانه دوستش می‌رود به سمت رویا و آرزویش می‌رود نه واقعیت.

چیزی که من باور کرده‌بودم این بود که سالومه می‌خواهد ۴ سال منظر ابی بماند. برای همین می‌خواهد برود چون اگر بماند باید شوهر کند و در آن محل نمی‌تواند بماند.
■ **پس رویا برایش مهمتر است. همین ۴ سال را جای دیگر هم دارید که به ابی می‌گویید که درآمدی که تو داری ۴ سال دیگر می‌توانی خانه و ماشین فراهم کنی و می‌توانیم ازدواج کنیم و از این محل برویم و...**

بله این رویایش است. ولی قبل از آن تصویری از اینکه ابی زندان بیفتد را ندارد. چیزی که من باور کردم این بود که سالومه عاشق ابی است و رویاهایش را هم دارد. نمی‌دانم برای چه اصرار دارید این را ثابت کنید. به ملوک هم می‌گوید که می‌خواهد کار کند تا چشم‌های پدرش خوب‌شود تا او را در لباس عروسی ببیند. با همین امید می‌رود که منتظر ابی بماند. چیزی که فیلم می‌گوید این است که یک دختر معصوم ناخواسته در یک موقعیت عجیب و غریب قرار می‌گیرد که نامزدش ناخواسته به خاطر اینکه خرج عروسی‌اش را در بیابود زندان می‌رود. حالا جامعه قرار است با دختر چه کند؟ او قرار است برود دیی. خوش اصلاً آگاهی ندارد که قرار است چه اتفاقی برایش بیفتد. فیلم این را می‌گوید.

■ **فیلم چه تجربه‌ای به لحاظ بازیگری برایتان داشت؟**

سعی کردم لحن‌ام را در جاهای مختلف تغییر دهم. همیشه به این فکر می‌کردم که آدم‌ها یک‌جور حرف نمی‌زنند. طبیعتاً الان که صحبت می‌کنم یک لحن دارم و با خواهر و مادرم که صحبت می‌کنم جور دیگر. وقتی قرار است خودم را لواس کنم لحنم جور دیگری است. در مورد سالومه تلاش کردم لحنش در جاهایی تغییر کند. وقتی با ابی عاشقانه حرف می‌زند لحنش مقداری لوس است و با جاهایی که با پدرش حرف می‌زند فرق دارد.

سعی کردم روی این ماجرا کار کنم.

■ **مدت‌ها است که کار تئاتر انجام ندادید. دلایل چیست؟**
تئاتر فضای خودش را دارد و من همیشه آن را دوست داشتم. این چند سالی که در سینما کار می‌کنم، خیلی در ارتباط با آدم‌ها و گروه‌های تئاتری نبودم. به همین دلیل پیشنهادهایی که می‌شد شاید کارهای جدی نبود. چون داخل فضا نیستیم شناس اینکده در کارهای خوب باشم را ندارم و کاری نبوده که جذاب باشد و به من پیشنهاد شود.
■ **در این مدت هم پرکار بودید و هم کارهای متفاوتی انجام دادید که می‌گویید تجربه بود. از حالا برای آینده چه چشم‌اندازی با توجه به این تجارب برای خودتان در نظر گرفته‌اید؟**

این یکی دوساله خیلی پرکار بودم. دلایلش این بود که می‌خاستم با مخاطب عام ارتباط برقرار کنم. اصلاً هم ناراضی نیستم و تجربه خیلی خوبی بود. چیزی بود که خودم خواستم و اتفاق افتاد. در مورد انتخاب کارهای بعدی‌ام می‌خواهم مدتی صبر کنم. شاید ۶ ماه، یک سال یا حتی سال دیگر سر هیچ کاری نروم تا کاری باشد که واقعاً دوست داشته باشم. شاید این مدتی که برای کار بعدی می‌خواهم صبر کنم و دقیقاً زمانی باشد که فرصتی پیش‌بیاید تا کاملاً به تئاتر بپردازم. الان می‌خواهم وارد فضای پویاتری شوم. برای اینکه خوب کار کنم باید سرویس‌هایی از جهت تجربه و تمرین و یاد گرفتن به خودم بدهم. مطالعه کنم و فیلم ببینم.

■ **در حال حاضر فیلم می‌بینید؟**

فیلم دیدن را شروع کردم. الان به طور جدی فیلم می‌بینم و مشخصاً به بازیگری دقت می‌کنم.
■ **بازیگر خاصی هست که کارهایش را دنبال کنید؟**
بازیگر خاصی را دنبال نمی‌کنم. ولی «ایزابل هوپر» بازیگر محبوب من است؛ به خاطر همان نگاه و بازی سردی که دارد.
■ **و حرف آخر؟**
امیدوارم «کافه‌ستاره» دیده‌شود. چون این فیلم را خیلی دوست دارم. امیدوارم مردم هم فیلم را ببینند و دوست داشته باشند. چند کارم را خیلی دوست دارم. یکی «شام آخر» که اولین کارم بود. «شب‌های روشن» و حالا «کافه‌ستاره» که جیشتن را دوست دارم. فیلم را خیلی دوست دارم و وقتی آن را دیدم واقعاً احساس لذت کردم.

گپ

گفت‌وگو با منیژه حکمت درباره سه زن

داستان سه نسل

حمید هنری



این روزها دفترس بامدادفیلم در میدان هفت‌تیر محل روخوانی فیلمنامه «سه‌زن» نوشته نغمه ثمنینی است. منیژه حکمت که طرح این فیلمنامه را نوشته، تهیه‌کننده و کارگردان سه زن خواهد بود. حکمت در روخوانی و بازتویسی فیلمنامه داریوش عیاری (مدیر فیلمسپرداری)، مصطفی خرقه‌پوش (تدوینگر) و بازیگران فیلم را به همراهی دعوت کرده‌است. حکمت که شش سال پیش اولین فیلم بلند خود «زندان زنان» را ساخت قصد دارد اولین روز مهرماه ۸۵ فیلم دومش را جلوی دوربین داریوش عیاری ببرد.

□ □ □

گفت‌وگو با این کارگردان را در درباره مرحله پیش‌تولید «سه‌زن» می‌خوانید:

■ **خانم حکمت تا شروع مرحله فیلمبرداری سه زن پنج هفته دیگر باقی است. در این زمان چه می‌کنید؟**

با همراهی داریوش عیاری بازدید لوکیشن را در تهران و شهرستان‌ها انجام می‌دهیم و همزمان با بازتویسی فیلمنامه و انتخاب عوامل انجام می‌شود. تاکنون مکان‌هایی همچون بازار فرش تهران، موزه فرش و خیابان‌های مرکزی تهران انتخاب شده‌است که به دنبال چند روستا هستیم تا بتوانیم تصویر متفاوتی از ایران را در سه زن به نمایش بگذاریم. در ۱۰ درصد مرحله فیلمبرداری که از اول آبان‌ماه شروع می‌شود گروه در لوکیشن‌هایی همچون کاروانسرا، روستا و دشت مستقر خواهد شد.

■ **در بازتویسی فیلمنامه چگونه عمل می‌کنید؟**

تمام عوامل فیلم در جریان فیلمنامه هستند، حتی گروه در انتخاب لوکیشن‌ها نظرات و پیشنهادات خود را به من اعلام می‌کنند. در بازتویسی فیلمنامه هم داریوش عیاری و مصطفی خرقه‌پوش مرا یاری می‌کنند که در نهایت به نغمه ثمنینی برای نگارش ارائه می‌شود.
■ **داریوش عیاری و مصطفی خرقه‌پوش بازتویسان فیلمنامه سه زن هستند؟**

بله.
■ **این فیلم را خود شما تهیه می‌کنید، آنچه که برای منیژه حکمت به عنوان تهیه‌کننده در سرمایه‌گذاری برای فیلم سه زن اهمیت دارد چیست؟**

در این فیلم هویت فرهنگی عمیقی مطرح می‌شود؛ فاصله سه نسل و پیدا کردن این نسل‌ها، از یک سال گذشته فیلم با طرح یک خطی از من که دغدغه‌هایم را نسبت به ایران و مردم دربرمی‌گیرد آغاز شد. یک سال تحقیقات گسترده برای نوشتن فیلمنامه صورت گرفته تا فیلم جلوی دوربین برود و همه اینها برای به تصویر کشیدن زندگی مردم ایران به یکدیگر است.

■ **همچون فیلم زندان زنان که فیلمی زنانه بود و نام هم در نام فیلم به کار رفته، سه زن فیلمی زنانه است؟**
بله، در سه زن تمام تلاش نغمه ثمنینی در این بوده‌است که نقش جنسیتی به زن داده نشود و سه نسل در سه زن به تعریف می‌رسد.

■ **بازیگرانی که سه زن شما را نقش آفرینی خواهند کرد چه کسانی هستند؟**

هدیه تهرانی در نقش مادر، مریم یوبانی در نقش مادربرزرگ، پگاه آهنگرانی در نقش دختر و نازنین آقااحمدی در نقش جوانی‌های مادربرزرگ.

■ **تاکنون عواملی که همکاری آنان با شما در سه زن قطعی شده‌است چه کسانی هستند؟**

داریوش عیاری (مدیرفیلمبرداری و مشاور کارگردان)، مصطفی خرقه‌پوش (تدوینگر)، مهری شیرازی (گریم)، حیدر ساجدی (موسیقی متن) هدیه تهرانی (طراح لباس و بازیگر)، امیر عابدی (عکاس)، و عوامل دیگر در انتخاب نهایی هستند.

■ **در سه زن بازیگر مرد هم خواهید داشت؟**

در چند سکانس بازیگر مرد خواهیم داشت که هنوز انتخاب نشده‌اند.

خبر

سمندریان: افراد بی‌صلاحیت

آموزشگاه‌های سینمایی راه انداخته‌اند

فارس: حمید سمندریان مدرس تئاتر گفت: افراد بی‌صلاحیت آموزشگاه‌های سینمایی راه انداخته‌اند که حالی که هیچ‌گونه آشنایی با مفوله تدریس و هنر ندارند. حمید سمندریان مدرس تئاتر و بازیگری از قدیمی‌ترین آموزشگاه‌های بازیگری، درباره وضعیت تدریس در آموزشگاه‌های سینمایی گفت: انواع آدم‌های بی‌صلاحیت به عنوان مدرس، کلاس‌های تخصصی بازیگری راه انداخته‌اند. چرا به این همه آموزشگاه بی‌صلاحیت مجوز شده‌است. سمندریان از این مجوزها بر اساس ضابطه نیست چرا که این مدرسان نه دریافت و نه برداشت درستی از هنر دارند و ابزار آن را هم نمی‌شناسند. وی افزود: در حال حاضر ملغمه‌ای درست شده که آدم تردید می‌کند به این شغل شریف ادامه دهد. من خودم تردید دارم و خجالت می‌کنم که بگویم صاحب یک آموزشگاه هستم، چرا که با مغازه‌هایی که آدم‌های بی‌صلاحیت به عنوان آموزشگاه آن را اداره می‌کنند، مقایسه می‌شوم. منظورم در شیوه تدریس نیست، منظورم ورود افراد بی‌صلاحیت که آشنایی کافی با حوزه‌های تخصصی ندارند، است. این افراد هیچ صلاحیتی برای آموزش و تدریس ندارند و باید از این کار بیرون بروند. بیرون ریختن این افراد از این حرفه نیز وظیفه مدیران است.